

نقل قول خبر


حجت‌الاسلام هبت‌الله هاشمی مدیرکل بنیاد شهید وامور ایثارگران لرستان

کسانی که در ایام جنگ در پشت جبهه فعالیت داشتند و با بمب به شهادت رسیدند با افرادی که در خانه‌های خود خوابیده بوده و بمب به خانه آنها اصابت کرده فرق می‌کنند. اینها داشتند تدارکات جبهه را فراهم و برای جبهه کار می‌کردند و کارخانه سیمان را به‌عنوان محلی که امروز جمع می‌شویم برای انجام کارهای جهادی، انتخاب کرده بودند که شهید شدند. پیشنهاد دادم که آمار تمام‌زنان شهیده استخراج شود و این محور ما باشد و برنامه‌ریزی شود برنامه‌ای تدارک دیده شود و یک یادمان و تندیس برای این شهدا ساخته شود. ایسنا



محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس شورای اسلامی

ترور مدافع حرم، سردار پاسدار شهید حسن صیاد خدایی بار دیگر عمق عصیانیت دشمنان مردم ایران از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نشان داد که مخلصانه امنیت را برای این مرز و بوم تأمین کردند. تسریع در شناسایی و مجازات عاملان و آمران این جنایت خواسته‌آحاد ملت شریف ایران است و دستگاه‌های مرتبط در این خصوص اقدامات لازم را انجام می‌دهند. دفاع پرس

خبر

رونمایی از سامانه دیدار

«سامانه دیدار» با هدف از تباط میان خانواده‌ایثارگران و مسئولان بنیاد شهید وامور ایثارگران راه‌اندازی شد.
محمدحسن علی‌نقیان افجه‌ای مدیرکل مراجعات و پاسخگویی بنیاد شهید وامور ایثارگران، دراین باره گفت: «با توجه به سیاست‌های جدید رئیس بنیاد شهید وامور ایثارگران مبنی بر بهره‌گیری از راهکارهای نوین و موزون برای ارتباط سریع، آسان و به‌روز با رویکرد حل مشکل ایثارگران با خادمین خود در بنیاد شهید و امور ایثارگران سامانه دیدار را راه‌اندازی کرد.
افراد جامعه هدف می‌توانند از طریق سایت ایثار درخواست ملاقات خود را با ذکر موضوع و نام هر یک از مدیران بنیاد شهید وامور ایثارگران ثبت کنند.
اطلاع مدیران بنیاد شهید از مشکلات ثبت شده توسط ایثارگران و پیگیری برای حل آنها دیگر مزایای راه‌اندازی این سامانه است.»

شناسایی پیکر شهدا

پیکر ۳ شهید مفقودالثر ایستان اصفهان به تازگی با تلاش گروه‌های تفحص در مناطق عملیاتی دفاع‌مقدس پیدا، شناسایی و بعد از ۳۹ سال چشم‌انتظاری به خانواده آنان اطلاع داده شد.
پیکر شهیدان فریدون ابراهیمی، محمود دهقانی بوده از اصفهان و حسینعلی شامچراغی فرزند فرهاد از شهرضا که در عملیات والفجر مقدماتی در منطقه فکه به شهادت رسیده بودند از طریق پلاک هویت شناسایی شدند.

معرفی کتاب صوتی

نبرد طریق القدس

عملیات طریق القدس نخستین گام از سلسله عملیات‌های کربلا در منطقه دشت آزادگان بود که با هدف آزادسازی بستان و بیش از ۷۰ روستای منطقه طراحی شد. این عملیات از ۸ تا ۸ آذر ۱۳۶۰ اجراشد. کتاب گوای «نبرد طریق القدس»

براساس اسناد و مدارک دست‌ااول و با هدف تحلیل و تشریح بخشی از وقایع مربوط به دوران ۸سال دفاع‌مقدس با موضوع این عملیات تولید شده است. مطالب کتاب در ۴فصل است که فصل نخست به توضیح اجمالی در باره وضعیت کشور، نیروهای مسلح و بحران‌های گوناگون داخلی و خارجی اختصاص یافته است. در فصل دوم، موقعیت، پیشینه و محدوده دشت آزادگان و در فصل سوم، بحران‌ها، زمینه‌ها و اهداف تجاوز عراق، به‌خصوص در دشت آزادگان، شرح داده شده است. روند شکل‌گیری و طراحی عملیات از نقطه آغاز تا پایان، آماده‌سازی زمین، نیروها، امکانات، مرحله آماده‌سازی و آغاز عملیات، سیر جزئی وقایع و شرح عملیات از دیگر مطالب این کتاب است. ناگفته نماند ۴عملیات بزرگ ثامن‌الائمه، طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس از مقاطع حساس و عملیات‌های اصلی دوره سرنوشت‌ساز جنگ هستند.
امیر رزاق‌زاده، نویسنده و محقق مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس و غلامعلی رشید، در کتاب نبرد طریق القدس، راهبرد نظامی ایران و اوضاع و شرایط حاکم بر کشور و همچنین موقعیت جغرافیایی منطقه دشت آزادگان، طراحی، آماده‌سازی، اجرا و شرح عملیات طریق القدس را تشریح کرده‌اند. کتاب صوتی این اثر در ۱۴۴دقیقه تهیه شده و قابل دسترسی از سایت ایران صداست. اگر فرصت خواندن کتاب را ندراری پیشنهاد می‌کنیم این کتاب صوتی را بشنوید و لذت ببرد.

ا‌تارومقاومت



روایت یک تکاور از مقاومت بی‌نظیر مردم خرمشهر

گفت‌و‌گو با هوشنگ صمدی، فرمانده تکاوران نیروی دریایی ارتش که در مقاومت ۳۴روزه خرمشهر خوش درخشید

مژگان مهربانی روزنامه‌نگار

هوایم‌ای عراقی را دید که با کربار در آسمان مائور می‌دهند. چند تیر هم به فاصله چند قدمی اش شلیک کردند. او بی‌معطلی به اتاق فرمانده منطقه دوم دریایی پوشهر رفت. ناخدا رزم‌جور اید با چهره‌ای برافروخته، همان جا مطلع شد که عراق رسماً جنگ خود با ایران را آغاز کرده است. ناخدا بر گه تسویه‌را که دید گفت: «هی‌روی؟» او گفت: «می‌توانم بروم؟» برای این روزها دوره دیدم. امی‌مانم و می‌جنگم». ناخدا یکم هوشنگ صمدی ماند و تا آخرین روزهای سختی که ایران تجربه کرد از کشورش دفاع کرد؛ در دفاع ۳۴روزه خرمشهر، در آزادسازی آن و دیگر عملیات‌هایی که برای سرنگونی دشمن طراحی شده بود. او را یکی از قهرمان‌های نامی ایران می‌توان عنوان کرد. مردی که می‌گوید تا جان در بدن دارد به کشور و مردمش خدمت خواهد کرد. روز سوم خرداد بهترین بهانه‌ای بود برای گفت‌و‌گو با ناخدا صمدی.

روز ۳۱شهریور سال ۱۳۵۹، ساعت ۱۲ نیمه‌شب. پیامی از سوی ستاد ۲۲۱نیروهای زرهی به ستاد نیروی دریایی پوشهر صادر شد. بااین مضمون که ناخدا یکم هوشنگ صمدی همراه با نیروهای خود از پوشهر به خرمشهر حرکت کند. ناخدا بی‌معطلی نیروهایش را پمهای رفتن کرد. ۱۲خودروی جنگی راه خرمشهر در پیش گرفتند. ناخدا صمدی در نخستین خودرو و طلیعه‌دار بود و در آخرین خودرو هم شهید دستگاری حضور داشت. نیروهای اعزامی ساعت ۵نیم صبح به آبادان رسیدند. خیلی سریع اقدام به شناسایی منطقه کرده و سپس خود را به خرمشهر رساندند. ناخدا با ورودش به خرمشهر با ویرانه‌ای مواجه شد که از جای‌جای آن صدای ناله و شیون می‌آمد. شهری که چاندروز پیش به زیبایی و سرسبزی شهره بود حالا داشت زیر باران بمب و خمپاره در آتش می‌سوخت. با دیدن این صحنه غمی بزرگ بر دل ناخدا نشست. حس بدی پیدا کرد از این همه ناچولمنردی. دشمن کمر به قتل مردم بی‌دفاع بسته بود. صمدی خاطره تلخ آن روزها را یادآوری می‌کند: «نگار قیامت ناهه بود. مردم سراسیمه و شیون‌کنان هر کدام به‌سویی می‌دیدند تا شاید بتوانند پناه بگیرند. مادری را دیدم پاره پاره کودکی در بغل داشت و دست فرزند دیگریش را می‌کشید تا خود را به جای امنی برساند». انگار جوی خون جاری شده بود. آدم‌ها مثل برگ پاییزی یکی یکی رزمین می‌افتادند. صدای گریه بچه‌ها و ترسی که وجودشان را می‌لرزاند با زلانی که مستانجا نمی‌دانستند چه باید‌یکند؛ دردی بود که ناخدا آنجا تجربه کرد. دستور داد چند کامیون مهیا شود و سپس از نیروهایش خواست تا مردم را سوار بر کامیون کرده و از شهر دور کنند.

۳۴روز ماندن پشت‌دروازه‌های خرمشهر

ناخدا با دیدن حمله بی‌رحمانه دشمن می‌دانست که

صدام هدف بزرگی در سر دارد. درست هم فکر کرده بود. صدام در پیام‌هایش گفته بود که روز اول خرمشهر را تصرف می‌کند و روز سوم استان خوزستان را می‌گیرد. روز هفتم هم به تهران می‌آید و در میدان آزادی مصاحبه را می‌دهد. خودی خواهد کرد. صمدی می‌گوید: «فاصله شلمچه تا خرمشهر ۱۶و نیم کیلومتر است. یعنی در حالت عادی مسیری است که ۱۵ دقیقه می‌توان طی کرد. برای ورود به خرمشهر عراقی‌ها از شلمچه وارد شدند؛ آن‌هم با لشکر زرهی. همه جور تجهیزات نظامی هم داشت. گذشته از آن توسط ۲۵کشور دیگر هم حمایت می‌شد. در صورتی که ما فقط خودمان بودیم و خودمان. حتی سیم خاردار هم نداشتیم؛ یعنی هیچ کشوری به ما اسلحه نداد. فرخوت، ولی مقاومت کردیم. عراق روز اول که هیچ حتی روز هفتم هم نتوانست خود را به پل نورسانده»
طولانی شدن تصرف خرمشهر شکستی بود برای یعنی‌ها. صدام فرمانده این عملیات را به عراق فرا خواند و دستور اعدام او را داد. ناخدا به تغییر استراتژی دشمن از سوسی رزمنده‌های ایرانی اشاره می‌کند: «دشمن وقتی نتوانست از شلمچه وارد خرمشهر شود، جاده اهواز به خرمشهر را انتخاب کرد. ۳۴روز ماندن پشت دروازه‌های شهر برای صدام شکست بزرگی به شمار می‌آمد. ما پشتوانه محکمی داشتیم و آن مردم ایران بود که با پایه پای نیروهای نظامی از هر قشری اش بودند تا از خرمشهر دفاع کنند».

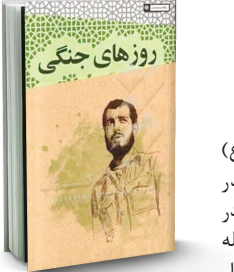
دست قطع شده را در کوله پشتی گذاشت

ناخدا صمدی خاطرات زیادی از خرمشهر دارد؛ از زمانی که خرمشهر، خونین‌شهر نام گرفت. از کشتار بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع، از شهادت جوان‌هایی که هر کدام دلخوشی خانواده‌شان بودند. حتی از روزی

که تعداد جنازه عراقی‌ها آن قدر زیاد بود که بوی تعفن‌شان شهر را پر کرده بود. می‌گوید: «بچه‌های ما اجازه نمی‌دادند پیکر شهدا روی زمین بماند. اما عراقی‌ها اینطور نبودند. در روز ۲۲مهر ۵۹ آنقدر تعداد جنازه عراقی‌ها زیاد بود که از نیروهای شهرداری خواستیم آنها را جمع‌آوری کنند». او هیچ‌گاه مقاومت مدافعان خرمشهر را از یاد نخواهد برد. ناخدا جانفشانی یکی از نیروهایش را تعریف می‌کند: «یک بی‌سیم‌چی داشتم به اسم غلام غانندی من داشتم با بی‌سیم حرف می‌زدم که متوجه شدم به خود می‌پیچد. گفتم غلام چه می‌کنی؟ گفت هیچ شما کارت را بکن. ناگام هم دستش افتاد. دیدم از آنج قطع شده است. شد. اما همه دردی که داشت دست قطع شده را در کوله پشتی اش گذاشت و گفت نمی‌خواهم حتی دستم به‌دست دشمن که دیگر خرم نبود.

وقتی خاطرات ناخدا یکم کتاب شد

هوشنگ صمدی، متولد سال ۱۳۱۸در روستای کلخوران در اردبیل است. او دوره سه ساله دانشکده افسری را در سال ۱۳۴۲به پایان رساند و چندین سال در مناطق مختلف ایران خدمت کرد. او در سال ۱۳۵۴ جذب تکاوران نیروی دریایی شد و برای تکمیل دوره تکاوری به انگلستان رفت و پس از بازگشت به سمت فرمانده گردان یکم تکاوران نیروی دریایی در آمد. او افسری شجاع، دلیر، باکفایت و بسیار ایران‌دوست که به فرماندهی او، تکاوران، نیروهای مردمی موفق شدند ارتش عراق را هفتمه‌ها در خرمشهر زمین‌گیر کنند و ضربات و تلفات سنگینی بر تجهیزات و نفرات متجاوزان به آب و خاک ایران زخمین وارد کنند.
خاطرات ناخدا یکم هوشنگ صمدی در کتاب «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر»، به کوشش سیدسام باحسینی به همت نشر سوره مهر منتشر شده است. این کتاب از معدود خاطرات منتشرشده از سوی کارکنان نیروی دریایی است و همین‌اثر توانسته است آن را با بسیاری از کتاب‌های خاطرات جنگ متمایز کند. این کتاب ۲۹۹صفحه‌ای خاطرات شفاهی او از آغاز زندگی تا آزادی خرمشهر در سوم خرداد۱۳۶۱است.



روایتی از کتاب «روزهای جنگی سعید» که به عملیات بدر اختصاص دارد، می‌خوانیم:
هوایم‌های عراقی همه گردان را بمباران کردند. جواد ملکی از ناحیه پشت ترکش خورد و میری و چند نفر از بچه‌های دیگر هم مجروح شدند. ملکی را که داشتند با برنگارد می‌بردند دوباره هوایم‌با بمب خروش‌های انداخت. بچه‌ها با شنیدن صدای هوایم‌با خیز رفتند و ملکی را بدجوری به زمین انداختند. او هم با آوناله گفت: «بی‌انصاف‌ها! مل من دیدم همه چادر سوراخ‌سوراخ شده و پتویی که من روی آن نشسته بودم توی زمین فرورفته. بی‌اختیار گفتم: «چرا این پتو این طوری شده؟» خواستم آن را بیرون بکشم ولی نشد. به بچه‌ها گفتم: «بیا بیاید این را بیرون بیاریم.» پتو را که بیرون کشیدیم، دیدم ترکش درست جایی را که نشسته بودم سوراخ کرده‌است. بچه‌ها گفتند: بین بلوری‌اگر نشسته بودی تو هم با پتو توی این سوراخ رفته بودی. از آن به بعد من هم به خواب‌های علی محمودوند اعتقاد پیدا کردم.»

همیشه‌ری

گزارش

شهره کیانوش‌راد؛ روزنامه‌نگار

نگاهی کوتاه و مستند به حملات دشمن یعنی در شهر دزفول

۲۷۰۰روز مقاومت در شهر موشک‌ها

مقاومت بی‌نظیر مردم دزفول در برابر حملات وحشیانه‌ا ترش بعث عراق، موجب ما یوس شدن دشمنی شد که خیال خام تصرف این شهر را در سر داشت. دزفول هم از نظر حجم و هم از نظر تعداد حملات در صدر شهرهای مورد حمله قرار داشت. ۴خرداد به یاد مردمان این شهر قهرمان که به شهر موشک‌ها و به قول عراقی‌ها به «بلد الصوار یخ» معروف شد، به نام روز دزفول نامگذاری شده است. عبدالرضا سالمی نژاد در کتاب «جنگ شهرها در دزفول» که توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس چاپ شده، آمار مستندی از حملات دشمن به شهر مقاوم دزفول ارائه داده که به بخشی از آن پرداخته‌ایم.

دزفول در طول سال‌های دفاع مقدس و در جریان جنگ شهرها صدها بار مورد هجوم دشمن حزب بعث عراق و ارتش اشغالگر قرار گرفت و در طول ۲۷۰۰روز مقاومت، ۲۶۰۰ شهید، ۴هزار جانباز، ۱۴۵۲زاده و ۱۴۷مفقودالثر تقدیم اسلام و آرمان‌های حضرت امام(ره) کرد. ۱۷۶موشک زمین‌به‌زمین، ۲۰۰راکت هوایم‌های دشمن، ۲۵۰۰گلوله توپ تعداد حملات موشکی و بمباران است که از سوی دشمن به این شهر قهرمان اصابت کرده است. این شهر از نظر تعداد حملات خصوصاً حملات موشکی و هوایی تا پایان جنگ جایگاه اول را به‌خود اختصاص داده بود. نام دزفول در بیانیه‌های ارتش بعث عراق هنگام تهدید بمباران شهرها، در ردیف الف و در سر لیست شهرهای مورد هدف قرار داشت.

۶ماه اول جنگ تحمیلی به روایت آمار

به‌دلیل عدم تمرکز و هماهنگی در مراکز ثبت حملات موشکی و هوایی به شهر دزفول و گاه اشکال در تشخیص نوع حمله و سلاح کاربردی دشمن در حمله به مناطق مسکونی با بی‌دربی و همزمان بودن حملات در ثبت تعداد حملات تفاوت‌های فاحشی صورت گرفته است. طبق آمار ارائه شده در کتاب جنگ شهرها، در ۶ماه اول جنگ تحمیلی یعنی از ۳۱شهریور تا پایان اسفند ۱۳۵۹ جمعاً ۲۱مورد حمله موشکی به شهرهای ایران صورت گرفت که در خلال آن ۹۴فرزند موشک به‌سوی اهدافی در خاک کشورمان شلیک شد. در ۲مورد از حملات ۳فرزند موشک به اهداف نظامی و صنعتی اصابت کرد. در ۱۹مورد دیگر ۳۶فرزند موشک شلیک‌شده در مناطق مسکونی کشورمان را مورد هدف قرار داد که ۲۶فرزند آنها در مناطق مسکونی شهرها و ۹فرزند در خارج از شهرها فرود آمد. یک فرزند نیز در آسمان شهر دزفول منفجر شد. دزفول در ۱۰نوبت هدف موشک‌های عراقی قرار گرفت که بیشترین تعداد حمله از سوی دشمن را داشت. در حملات انجام‌شده در ۶ماه اول جنگ ۲۰۹نفر از افراد غیرنظامی به شهادت رسیدند. دزفول با ۱۹۷شهید بیشترین تعداد شهدا را داشت.

اولین حمله توپخانه‌ای

دزفول برای اولین‌بار در شهر سال ۱۳۵۹مورد حملات توپخانه‌ای و در ۱۶مهر نیز مورد هجوم حملات موشکی قرار گرفت. در این مقطع بیشترین تلفات جانی و مالی را هم نسبت به دیگر شهرها و نسبت به سال‌های بعد متحمل شد.

اولین حمله هوایی

۱مهر ۱۳۵۹آغاز بمباران هوایی دزفول است. ۴فرزند هوایم‌ای میگ عراقی با ریختن بمب‌های خود سر مردم در حوالی میدان مثلث و خیابان کشاورز منجر به شهادت ۲۰نفر و مجروحیت ۴نفر شدند. در این بپرواش هوایی ۱۶ممنزل مسکونی کملاً ویران شد. دشمن علاوهبر حملات توپخانه‌ای که از شهرها آغاز کرده بود، تا پایان جنگ بیش از ۳۰۰حمله هوایی داشت.

اولین شلیک موشک

موشک‌های غول‌پیکر در مورخه ۱۶مهر ۱۳۵۹یکی از فاجعه‌بارترین حوادث ۸سال جنگ تحمیلی را به‌خود اختصاص داد که در به مناطق و محله‌های قدیمی شهر دزفول اصابت کرد و باعث شهادت ۵۰نفر و مجروحیت ۳۰۰نفر از مردم بی‌دفاع شد. این حملات به‌حدی فاجعه‌بار بود که برخی از مردم تقریباً اکثر خانواده خود را از دست دادند.

سومین و فاجعه‌بارترین حمله موشکی

سومین حمله موشکی دشمن به دزفول در ۴آبان همین سال با شلیک هفترند موشک فراگ ۱صورت گرفت و منجر به شهادت ۱۵نفر و مجروحیت ۴۰نفر و تخریب بیش از ۱۰۰ممنزل مسکونی و ساختمان اداری مذهبی شد و بار دیگر دزفول را در صدر اخبار قرار داد.

شلیک ۱۰۰گلوله در یک روز

به‌دلیل انبوه شلیک گلوله به دزفول در ۳۰آذر ۱۳۵۹، این‌شهر یکی از سخت‌ترین روزهای خود را زیر باران آتش تجربه کرد. در این روز بیش از ۱۰۰گلوله توپ از توپخانه دوربرد دشمن به جای‌جای شهر اصابت کرد و روز خونینی را برای دزفول رقم زد. در فاصله روزهای ۷تا ۲۶آدی‌ماه ۱۳۵۹دزفول بار دیگر روزهای خونینی را سیری کرد و با تقدیم ۳۴شهید و ۶۰مجروح در آتش توپخانه دشمن همچنان در مقابل تهدیدهای دشمن ایستادگی کرد. در فاصله روزهای ۱۵و ۹اسفند دزفول ۴بار مورد هدف موشک‌های دوربرد عراق قرار گرفت. در حادثه ۱۹اسفند ۱۳دشمن از نوجوانان بسیجی در مسجد نجفی به شهادت رسیدند. دشمن یعنی در طول ۱۸ماه اول جنگ، بیش از ۲۵۰۰گلوله توپ به شهر دزفول پرتاب کرد و باعث فاجعه‌های فراوانی شد. شلیک توپ گاه به ۹۰یا ۱۰۰گلوله در روز می‌رسید و به شهادت جمعی خانواده‌ها و مردم بی‌دفاع منجر می‌شد به‌طوری‌که در انفجار گلوله توپ در میدان مثلث ۸نفر شهید شدند. این‌همه یک دستگاه مینی‌بوس پر از مسافر با یک گلوله توپ از فاجعه‌های مهلک بمباران شهر به‌حساب می‌آید.

